

# ساحت‌ها تربیت

محمد سالم‌زاده نوری



معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

خرداد ۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست

۱	مقدمه
۲	پیشینه‌ی بحث
۸	اهمیت و ضرورت بحث
۹	تعریف ساحت
۱۱	ابعاد وجود انسان: شناخت، عاطفه و رفتار
۱۲	تعیین ساحت‌های تربیت
۱۵	الف) تربیت معنوی الهی
۱۷	ب) تربیت فردی
۲۰	ج) تربیت اجتماعی
۲۶	د) تربیت محیطی
۲۹	محورهای ذیل هر ساحت
۳۲	رویکردهای حاکم بر همه‌ی ساحت‌های تربیت
۳۶	برخی تطبیقات
۳۸	ارزش و رتبه ساحت‌ها در یک نظام متوازن
۴۰	منابع



## مقدمه

نظام دانشی تربیت اسلامی از عناصر زیر تشکیل شده است: ۱. مبانی تربیت، ۲. اهداف تربیت، ۳. اصول تربیت، ۴. روش‌های تربیت، ۵. مراحل تربیت، ۶. عوامل و موانع تربیت، ۷. نهادها و کانون‌های تربیت، ۸. برنامه‌های تربیتی، ۹. تکنولوژی و ابزار تربیت، و... از این میان ذیل عنوان دوم یعنی اهداف، بحث «ساحت‌های تربیت» به عنوان یکی از مباحث اساسی و بنیادین عرصه‌ی انسان‌سازی ذکر می‌شود که برنامه‌ریزی‌های تهذیبی و تربیتی بر پایه‌ی آن شکل می‌گیرد.

در طرح تربیتی اسلام، هدف عالی تربیت «قرب به خدا» است که انسان را شایسته‌ی مقام جانشینی یا خلیفه‌اللهمی می‌گرداند. این هدف با عبودیت و بندگی خالصانه حاصل می‌شود؛ البته بندگی خالصانه برای دستیابی به چنین مرتبه‌ی بلندی مصادیق و شئون مختلفی دارد و در انواع ارتباطات انسان جلوه می‌کند که لازم است به گستره‌ی آن تفصیلاً توجه شود.

ساحت‌های تربیت، هدف کلان تربیت را خرد و اهداف تربیت را دسته‌بندی می‌کنند؛ هر قدر شناخت ما از اهداف و ساحت‌های تربیت، کامل‌تر باشد، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات ما در مقام تربیت جامع‌تر و جزئی‌تر می‌گردد و توازن و تناسب بیشتری در آن رعایت خواهد شد. همچنین با شناخت ساحت‌های

---

<sup>۱</sup> «مبانی تربیت» گزاره‌هایی توصیفی هستند که در دانش تربیت اصل موضوع و پیش‌فرض به شمار می‌روند و علی‌القاعده برای اثبات آنها به علوم دیگر باید مراجعه کرد. «اهداف تربیت» مطلوبیت‌هایی هستند که پس از عملیات تربیت حاصل خواهند شد. «اصول تربیت» بایدهای کلان حاکم بر عملیات تربیت‌اند که تخطی از آن همواره خطاست. «روش‌های تربیتی» نیز بایدهای جزئی ولی جایگزین‌پذیر هستند که چگونگی دستیابی به اهداف را در چارچوب آن اصول روشن می‌گردانند. «مراحل تربیت» سیر طولی دستیابی به اهداف تربیت را نشان می‌دهد در حالی که «ساحت‌های تربیت» روابط عرضی میان اهداف را نمایان می‌سازند. «عوامل تربیت» اموری هستند که دستیابی به اهداف تربیتی را امکان‌پذیر یا سهل می‌گردانند و در مقابل «موانع تربیت» اموری که دستیابی به اهداف تربیتی را ناممکن یا دشوار می‌سازند.

تربیت، قدرت ارزیابی ما از عملیات جامع تربیت و آسیب‌شناسی آن نیز بیشتر خواهد بود. کلیدواژه‌ی «رشد جامع و متوازن به سوی اهداف الهی» گویای همه‌ی مراد از مطلوبیت‌های تربیت است که با بیان ساحت‌های تربیت بسط و تفصیل می‌یابد. فهرست ساحت‌های تربیت، نقشه‌ی مرجع و جدول کاملی خواهد بود که با استفاده از آن می‌توان گستره‌ی عملیات تربیت را به شکل مطمئنی رصد کرد و برای همه‌ی خانه‌های آن برنامه‌ریزی داشت. همچنین چک‌لیست کاملی است که می‌توان در مقام ارزیابی بدان اتکا کرد و مطمئن شد که چیزی از قلم نیفتاده و مورد غفلت قرار نگرفته است.

پس از شناسایی ساحت‌ها و گونه‌گون وجودی انسان که نیازمند رشد و تهذیب و تربیت است، می‌بایست جایگاه هر یک از این ساحت‌ها و سهم و وزن هر کدام تعیین و در یک منظومه‌ی یک‌پارچه طبقه‌بندی شوند به طوری که تقدم و تأخر، نیز اولویت و اهمیت و شمولیت آنها نسبت به یکدیگر معلوم باشد.

## پیشینه‌ی بحث

در زمینه‌ی احصا و طبقه‌بندی اهداف و ساحت‌های تربیت، نمونه‌های روشن و آماده‌ای وجود دارد و تلاش‌هایی صورت گرفته است.

نمونه اول بسته‌هایی از اهداف و مطلوبیت‌های متنوع تربیتی است که ترتیب منطقی روشنی در آن دیده نمی‌شود و نوعاً ادعای احصا و استقصا و نظام‌وارگی ندارد؛ اما اجمالاً بر لزوم جامعیت شخصیت انسان و تنوع اهداف و ساحت‌های تربیت تأکید می‌کند. مانند:

- قرآن کریم: اوصاف عباد الرحمن در آخر سوره فرقان، اوصاف مؤمنان در ابتدای سوره مؤمنون،

- روایات: خطبه‌ی همام زهج البلاغه،<sup>۱</sup> حدیث جنود عقل و جهل، یکصد و سه صفت مؤمنان در کلام پیامبر اکرم،<sup>۲</sup> حدیث اربعمائه<sup>۳</sup> و ...
- منشور تربیتی نسل جوان؛
- فهرست‌های الفبایی.<sup>۴</sup>

نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که در آن نوعی طبقه‌بندی و انسجام ملاحظه می‌شود؛ مانند:

- طبقه‌بندی اهداف تربیتی بر اساس قوای نفس (شهویه، غضبیه، عاقله [و واهمه]) که در اخلاق ارسطویی شکل گرفته است.
- طبقه‌بندی اهداف و ساحت‌های تربیت بر اساس روابط چهارگانه انسان (با خود، با خدا، با دیگران، با محیط)؛<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> رَوَى أَنْ صَاحِبًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ۷ يُقَالُ لَهُ هَمَامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِدًا فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَيْهِمْ فَنَتَأَقَّلُ ۷ عَنْ جَوَابِهِ ثُمَّ قَالَ «يَا هَمَامُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِن فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» فَلَمْ يَقْنَعْ هَمَامٌ بِهَذَا الْقَوْلِ حَتَّى عَزَمَ عَلَيْهِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ۶ ثُمَّ قَالَ ۷: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلْقُ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ أَمَّا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ وَ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَهُ فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ وَ مَشِيهِمُ التَّوَاضُعُ ...» (زهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

<sup>۲</sup> رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ۷ قَالَ: «لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مَائَةِ وَ ثَلَاثِ خِصَالٍ فِعْلٍ وَ عَمَلٍ وَ نِيَّةٍ وَ بَاطِنٍ وَ ظَاهِرٍ» فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ۷: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْمَائَةُ وَ ثَلَاثُ خِصَالٍ؟» فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَالُ الْفِكْرِ جَوْهَرِيًّا الذِّكْرُ كَثِيرًا عِلْمُهُ عَظِيمًا جِلْمُهُ ...» (ابن همام اسكافي؛ التمهيص، ص ۷۴).

<sup>۳</sup> هی اربعمائه باب للدين و الدنيا (ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول، ص ۱۰۰).

<sup>۴</sup> مانند کتاب «ارزش‌ها و ضدارزش‌ها در قرآن» اثر ابوطالب تجلیل؛ «دانش‌نامه‌ی قرآنی اخلاق» اثر پژوهشکده‌ی فرهنگ و معارف قرآن؛ «نضرة النعيم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم» (موسوعه‌ی روایات اخلاقی اهل سنت) که به شیوه‌ی الفبایی نگاشته شده است؛ و «اصطلاح‌نامه‌ی اخلاق اسلامی» که مانند همه‌ی اصطلاح‌نامه‌ها علاوه بر نمایش درختی و نظام‌یافته‌ی موضوعات اخلاقی، صورت نمایش الفبایی دارد. البته در نمایش درختی و ترسیمی موضوعات هم تنها یک تقسیم‌بندی کلان چهارضلعی (آداب، حقوق، رذایل و فضایل) طرح شده و ذیل فضایل و رذایل به ترتیب حروف الفبا عناوین اخلاقی را سامان داده است.

- طبقه‌بندی اهداف تربیت بر اساس ابعاد وجودی انسان (شناخت، گرایش، رفتار)؛
- طبقه‌بندی اهداف تربیت متشکل از ترکیب روابط چهارگانه با ابعاد سه‌گانه که توسط مرحوم

آیت‌الله مصباح بیان شده است؛<sup>۲</sup>

حوزه‌ی طبیعی	حوزه‌ی اجتماعی			حوزه‌ی شخصی	حوزه‌ی بندگی	اهداف
	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی اجتماعی			
مانند شناخت وظایف انسان نسبت به طبیعت	مانند شناخت اهداف سیاسی اسلام و آگاهی از شرایط سیاسی	مانند شناخت احکام و اولویت‌های اقتصادی	مانند شناخت حقوق دیگران و قوانین اجتماعی	مانند خودشناسی و شناخت فضایل	مانند شناخت خدا و پیامبر	بینشی
مانند علاقه به حفظ و بهبود منابع طبیعی	مانند گرایش به تحقق دولت کریمه	مانند روحیه‌ی قناعت و بی‌زاری از تنبلی	مانند علاقه به والدین و حس همیاری	مانند علم‌دوستی و احساس عزت	مانند محبت به خدا و خوف از او	گرایشی
مانند حفظ منابع طبیعی و	مانند التزام به ولایت فقیه و حمایت از	مانند انفاق و میانه‌روی در مصرف	مانند معاشرت نیکو و دفاع از حقوق	مانند نظم و برنامه‌ریزی	مانند شکر و تقوای الهی	رفتاری

<sup>۱</sup> این الگوی چهارضلعی اول بار در کتاب مصباح/شریعه آمده و به امام صادق<sup>۷</sup> نسبت داده شده است؛ گرچه بنا بر قول صحیح‌تر مصباح الشریعه کتاب روایی نیست و استناد این کلمات به امام صادق<sup>۷</sup> مخدوش است. متن آن سخن به شرح زیر است: «أُصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهٍ؛ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا؛ وَ كُلُّ وَجْهٍ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَى سَبْعَةِ أَرْكَانٍ.... فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهُوَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا» (منسوب به امام صادق؛ مصباح الشریعه، ص ۵).

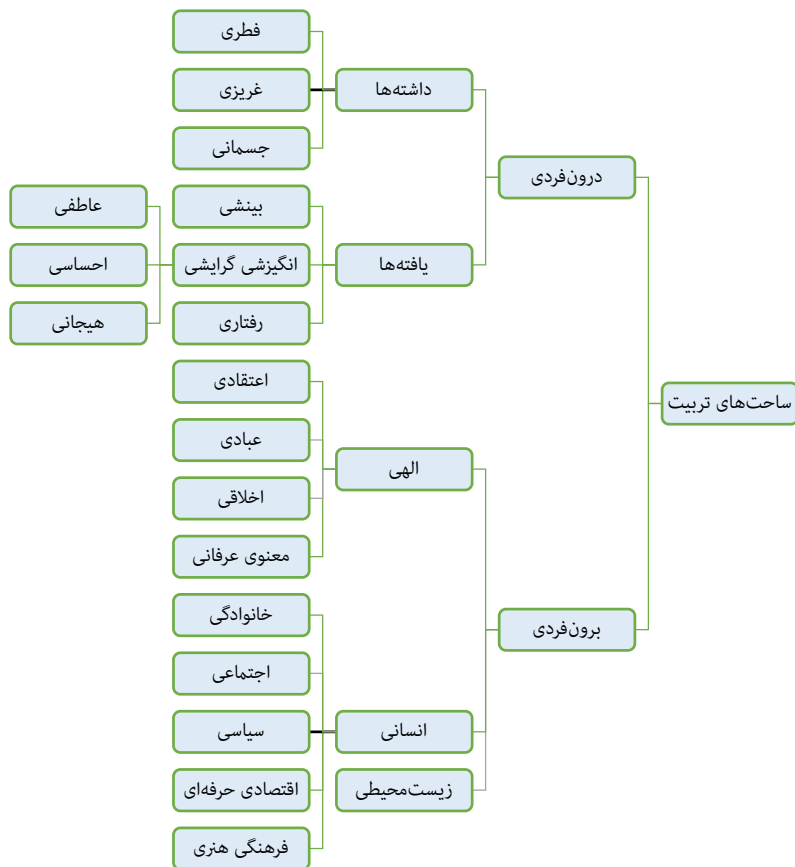
<sup>۲</sup> محمدتقی مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۲۱۲ تا ۲۸۹.

بهره‌برداری صحیح از آن	میهن اسلامی		دیگران			
---------------------------	-------------	--	--------	--	--	--

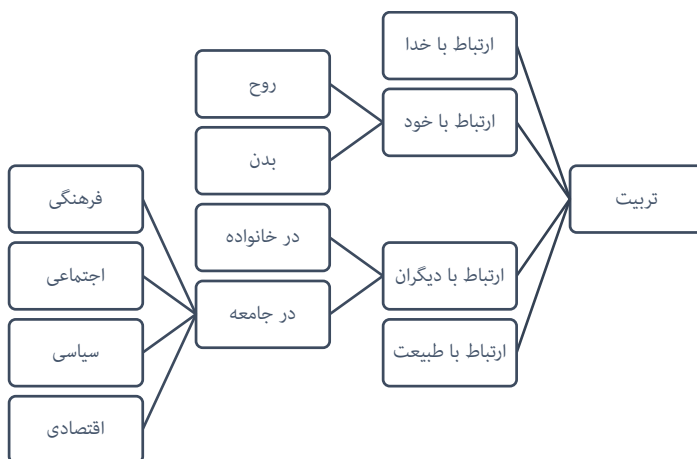
- طبقه‌بندی هفده‌گانه ساحت‌های تربیتی در نظام‌نامه تربیتی المصطفی<sup>۶</sup> به شرح زیر: ۱. تربیت فطری، ۲. تربیت غریزی، ۳. تربیت جسمانی، ۴. تربیت علمی، ۵. تربیت عقلانی، ۶. تربیت گرایشی انگیزشی (عاطفی، احساسی، هیجانی)، ۷. تربیت رفتاری، ۸. تربیت اعتقادی، ۹. تربیت عبادی، ۱۰. تربیت اخلاقی، ۱۱. تربیت معنوی یا عرفانی، ۱۲. تربیت خانوادگی، ۱۳. تربیت اجتماعی، ۱۴. تربیت سیاسی، ۱۵. تربیت اقتصادی - حرفه‌ای، ۱۶. تربیت فرهنگی - هنری، ۱۷. تربیت زیست‌محیطی.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> درآمدی بر نظام‌نامه‌ی تربیتی المصطفی<sup>۶</sup>، ص ۲۲۰.





- در نظام تربیتی بسیجیان (طرح صالحین) نیز ساحت‌های تربیت در حوزه‌های ارتباطی چهارگانه به شرح زیر بیان شده است:



● در بخش فلسفه تربیت از سند ملی تحول آموزش و پرورش نیز به این شش ساحت اشاره شده است:

- ساحت تربیت دینی (اعتقادی عبادی) و اخلاقی
- ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی
- ساحت تربیت زیستی و بدنی
- ساحت تربیت هنری و زیباشناختی
- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای
- ساحت تربیت علمی و فناوری

با این وصف شایسته است تصویر روشنی از نقشه‌ی کامل ساحت‌ها و اهداف تربیتی داشته باشیم و مأموریت خود را در تربیت جامع و متوازن به شکل دقیق معلوم سازیم؛ بنابراین پرسش مشخص بحث عبارت است از:

۱. ساحت‌های تربیت کدام است؟

۲. این ساحت‌ها چه ضرایب و نسبتی با یکدیگر دارند؟



## اهمیت و ضرورت بحث<sup>۱</sup>

انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت‌های مختلف است: روح و بدن دارد، از بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های مختلف برخوردار است و با دیگر موجودات جهان ارتباطی دارد، از آنها تأثیر می‌پذیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. از آنجا که تعلیم و تربیت، فرایندی جهت‌ایجاد، شکوفایی، تصحیح، تقویت، تعدیل و هدایت بینش‌ها، گرایش‌ها و استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد مختلف روح و بدن برای رسیدن به کمال مطلوب است، با همه‌ی این ابعاد و ساحت‌ها سروکار دارد. به این ترتیب، هنگامی که از تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، در واقع از انواعی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها سخن می‌گوییم که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان قرار دارند و انسان برای وصول به کمال مطلوب خود، نیازمند آن است که با یاری دیگران، آنها را به فعلیت برساند یا آنها را تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند.

به این ترتیب، یکی از اموری که در تعلیم و تربیت، باید مشخص شود حوزه‌های مختلفی است که تعلیم و تربیت با آنها سروکار دارد؛ یعنی موضوعات، استعدادها و قابلیت‌هایی که برای تعلیم و تربیت باید ایجاد، شکوفا، اصلاح، تعدیل، تقویت یا هدایت شوند.

برای معلوم شدن بیشتر ضرورت این بحث، باید توجه کنیم که هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی، به دست دادن آگاهی‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها و به فعلیت رساندن استعدادهای انسان در جهت قرب الهی است و بنا بر مبانی انسان‌شناختی همه‌ی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های وجودی انسان در قرب به خداوند تأثیر دارند؛ اما انسان‌ها، صرف نظر از ویژگی‌هایشان و تفاوت‌هایی که در نیازهای آموزشی و استعدادها با یکدیگر دارند، دارای ابعاد و جوانب مشترک بسیار متنوعی هستند و مطالعه و بررسی دقیق استعدادها و

---

<sup>۱</sup> این بخش با اندکی تصرف از منبع زیر نقل شده است: محمدتقی مصباح یزدی؛ *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*؛ ص ۳۲۲.

نیازمندی‌های مشترک انسان‌ها، مستلزم تفکیک این ابعاد و جوانب است، به طوری که تفکیک نشدن آنها، مستلزم سردرگمی در تعیین اهداف جزئی و به تبع آن ممکن نشدن برنامه‌ریزی و ارزیابی درست است.

در واقع، نیازمندی‌های علمی و تربیتی انسان‌ها بسیار متنوع است و هنگامی که پژوهشگران، برنامه‌ریزان و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، درصدد بررسی این نیازمندی‌ها، هدف‌گذاری و تعیین اصول و روش‌هایی برای تعلیم و تربیت برمی‌آیند، ناگزیرند حوزه‌ی این نیازمندی‌ها و استعدادها را تعیین و تفکیک کنند و به هر یک از آنها به طور جداگانه بپردازند. به همین دلیل در دانش تعلیم و تربیت برای فرآیند آموزش و پرورش، ساحت‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود و به این وسیله حوزه‌های خاص تعلیم و تربیت از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

## تعریف ساحت

مقصود از «ساحت» حوزه، محدوده و دامنه‌ی خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد، مشروط بر آن که اولاً حوزه‌های مزبور در عرض یکدیگر باشند، ثانیاً این حوزه‌ها برای انسان از آن جهت که انسان است در نظر گرفته شده باشند و نه از جهت ویژگی‌ها، استعدادها یا نیازهای فرد یا جامعه‌ای خاص.

توضیح آنکه در تعلیم و تربیت، می‌توان فعالیت‌ها را در طول هم در نظر گرفت و دامنه‌ی محدودی نیز برای هر دسته از آنها لحاظ کرد. برای مثال می‌توان تعلیم و تربیت رسمی را بر حسب مقاطع سنی به تعلیم و تربیت پیش‌دبستانی، دبستانی، راهنمایی، متوسطه و عالی تقسیم کرد. این حوزه‌ها گرچه محدود

و معین هستند، در طول یکدیگر قرار می‌گیرند و از این جهت، آنها را ساحت‌های تعلیم و تربیت نمی‌دانیم؛ بلکه مراحل تربیت می‌نامیم.

همچنین می‌توان حوزه‌ی آموزش‌های هم‌عرض را از جهت نیازهای خاص و متفاوت جنس زن و مرد، در نظر گرفت و آموزش را از این جهت به آموزش پسران و دختران تفکیک و تقسیم کرد. حوزه‌های یاد شده نیز گرچه هم‌عرض‌اند، ساحت تعلیم و تربیت نامیده نمی‌شوند، زیرا برای آموزش جنس خاص در نظر گرفته شده‌اند، نه آموزش انسان از آن جهت که انسان است و با دیگر انسان‌ها نیازمندی‌های مشترکی دارد.

اما هنگامی که نیازهای مشترک و هم‌عرض انسان‌ها، معیار تقسیم حوزه‌های تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند، حوزه‌های مزبور را ساحت‌های تعلیم و تربیت می‌نامیم.<sup>۱</sup>

تقسیم تعلیم و تربیت به ساحت‌های مختلف می‌تواند با لحاظ‌های مختلف، متفاوت باشد و طبعاً نمی‌توان ادعا کرد که تنها یکی از این تقسیمات درست و سایر تقسیمات لزوماً نادرست‌اند؛ هرچند همه‌ی این تقسیمات مطابق تعریف، بر اساس انواع نیازمندی‌های علمی، مهارتی و استعداد‌های هم‌عرض و مشترک میان انسان‌ها صورت گرفته باشند. برای نمونه می‌توان تعلیم و تربیت را به ساحت‌های مادی و معنوی، یا به دنیوی و اخروی، یا به فردی و اجتماعی یا به اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم کرد. ملاک ما برای تعیین ساحت‌های تعلیم و تربیت این است که ساحت‌ها:

- ناظر به استعداد‌های قابل شکوفایی و نیازمندی‌های علمی و مهارتی انسان در راستای قرب الهی باشند؛

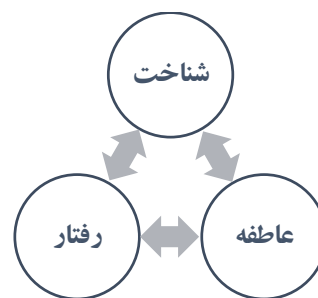
---

<sup>۱</sup> محمدتقی مصباح یزدی؛ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی؛ ص ۳۲۴.

- دامنه‌های محدود و در عرض هم را برای تعلیم و تربیت معین کنند؛
- میان انسان‌ها مشترک باشند؛
- تقسیم به این دامنه‌ها برای تعلیم و تربیت مفید و معقول باشد؛
- تا حد امکان، تقسیم دارای حصر عقلی باشد و در غیر این صورت، اقسام تا حد ممکن استقرا شده باشند.<sup>۱</sup>

## ابعاد وجود انسان: شناخت، عاطفه و رفتار

در بحث از مبانی انسان‌شناختی، انسان را دارای سه بعد «بیینش»، «گرایش» و «کنش یا توانش» دانسته‌اند. هر یک از این ابعاد خود دارای استعدادها و توانمندی‌های خاص و شکوفاپذیر است و با شکوفا شدن و فعلیت یافتن آنها، می‌توان افعال اختیاری انسان را به سمت هدف نهایی، که همان قرب الهی است جهت داد تا با شتاب مناسب برای دستیابی به آن حرکت کند.



در واقع آنچه مانع حرکت انسان به سمت هدف نهایی یا موجب کندی حرکت می‌شود، یکی از این

سه چیز است:

<sup>۱</sup> همان، ص ۳۲۵.

۱. ضعف و نقصان در ناحیه‌ی شناخت‌ها و بینش‌ها؛ مانند آن که شناخت کافی از هدف یا راه‌های وصول به آن ندارد یا شناخت وی عمیق یا مستدل نیست،
  ۲. ضعف از جهت گرایش‌ها و میل‌های مناسب، به طوری که میل به حرکت را به اندازه‌ی کافی در انسان بر نمی‌انگیزد،
  ۳. ضعف و کاستی در قدرت انجام دادن اعمال و رفتارهای مناسب.
- تعلیم و تربیت با هدف قرار دادن شکوفایی استعدادها و توانمندی‌ها باید درصدد رفع انواع این کاستی‌ها برآید و در هر سه حوزه‌ی بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها هدف عام خود را دنبال کند. بر این اساس می‌توان تعلیم و تربیت را به سه بعد «بینشی، گرایشی و رفتاری» تقسیم کرد.
- سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری گرچه به لحاظ نظری از یکدیگر قابل تفکیک‌اند، در عمل کاملاً با یکدیگر ارتباط دارند، به گونه‌ای که رفتارها مبتنی بر بینش‌ها و گرایش‌ها، و گرایش‌ها مبتنی بر بینش‌ها و رفتارها و بینش‌ها نیز مرتبط با رفتارها و گرایش‌ها شکل می‌گیرند؛ بنابراین آنچه موضوع بینش قرار می‌گیرد، چه بسا موضوع گرایش و رفتار نیز قرار بگیرد. به این ترتیب در هر سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری، امکان تقسیم مشابه به ساحت‌های مختلف وجود دارد.

## تعیین ساحت‌های تربیت

در اینجا ساحت‌های تربیت را بر اساس عرصه‌های ارتباطی انسان تصویر می‌کنیم. انواع ارتباطات انسان به شرح زیر است:

- ارتباط با ماورای طبیعت (خدای متعال مبدأ هستی، اولیای خدا، فرشتگان، عوالم دیگر)



• ارتباط با موجودات عالم طبیعت

○ ارتباط با خود

○ ارتباط با دیگر انسان‌ها

○ ارتباط با غیرانسان‌ها (جماد، نبات، حیوان، مصنوعات بشری و مانند آن)

انسان در هر یک از این ارتباطات لازم است رشدی داشته باشد و استعدادهای خود را شکوفا کند.<sup>۱</sup>

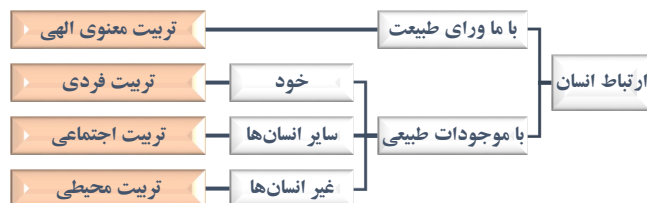
<sup>۱</sup> برای آن که بتوانیم تقسیم نسبتاً جامعی در خصوص موضوعات و متعلقات تعلیم و تربیت داشته باشیم، مناسب است انواع روابط انسان را در نظر بگیریم؛ زیرا هم بینش‌ها، هم گرایش‌ها و هم رفتارهای انسان، در رابطه‌ی انسان با چیزهای دیگر شکل می‌گیرند. این روابط یا مستقیماً به خود شخص مربوط می‌شود یا به غیر او. به عبارت دیگر بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای ما، گاه مستقیماً به خود ما مربوط می‌شوند و گاه به چیزی دیگر. آنچه به غیر خود شخص مربوط است یا در ارتباط با انسان‌های دیگر است، یا در ارتباط با دیگر موجودات عالم طبیعت، اعم از جمادات، حیوانات و گیاهان و یا در ارتباط با ماورای طبیعت و در رأس آن، خدای متعال.

این تقسیم علاوه بر اینکه جامع همه‌ی انواع ارتباطات انسان است، مفید و معقول هم هست؛ زیرا نوع گرایش و رفتار انسان و احیاناً بینش او نسبت به خود، جامعه، طبیعت و ماورای طبیعت، متفاوت است. گرایش انسان و رفتار او نسبت به خود و نیز بینش و شناخت اولیه‌ای که از خود دارد، مستقیم و بی‌واسطه است؛ اما عموماً موجودات دیگر را از طریق خود می‌شناسد، به خاطر خود به آنها گرایش پیدا می‌کند و از توانمندی‌های خود در رفتار با آنها استفاده می‌کند؛ اما از میان موجودات دیگر، عموماً رابطه‌ی انسان با انسان‌های دیگر، از نوع تعامل و رابطه‌ی موجودات هم‌عرض با یکدیگر است و رابطه‌ی او با ماورای طبیعت، از نوع رابطه‌ی موجود دانی با عالی است؛ و بالاخره رابطه‌ی انسان با طبیعت، از نوع رابطه‌ی موجود عالی با دانی است و برای بهره‌گیری، سلطه و استخدام.

ساحتی از تعلیم و تربیت را که ناظر به رابطه‌ی شخص با خودش است «ساحت شخصی» می‌نامیم. همچنین، ساحتی را که ناظر به رابطه‌ی او با انسان‌های دیگر است «ساحت جمعی»، ساحتی را که درباره‌ی رابطه او با طبیعت است «ساحت طبیعی»، و ساحتی را که ناظر به رابطه‌ی انسان با ماورای طبیعت و در رأس آن خداوند است «ساحت الهی» نام می‌نهمیم (مصباح یزدی؛ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۲۶).

مقصود از تفکیک انواع ارتباطات انسان، به ارتباط با خداوند و ماورای طبیعت، خود، افراد دیگر و طبیعت، این است که در هر نوع از انواع ارتباطات یاد شده، یکی از امور مذکور، مستقیماً طرف رابطه است و طبعاً مقصود آن نیست که ارتباط انسان با امور مذکور کاملاً در عرض یکدیگر است، به طوری که هرگاه انسان با یکی از آنها ارتباط داشته باشد، با امور دیگر کاملاً بی‌ارتباط باشد. برای مثال، همه‌ی رفتارهای اختیاری در صورتی حقیقتاً ارزشمند هستند که برای قرب الهی صورت گیرند، یعنی رابطه‌ی آنها با خداوند ملحوظ باشد. در این صورت همه‌ی ارتباطات انسان، باید در عین حال، رابطه‌ای با خدای متعال داشته باشند. به این ترتیب مقصود از رابطه‌ی شخص با خودش نیز فعالیت‌هایی است که مستقیماً با





افق نهایی و هدف عالی انسان‌سازی در طرح اسلام، تقویت روح بندگی و افزایش ایمان است. از نظر اسلام انسان تنها در مقابل خدا وظیفه دارد و همواره باید در صدد جلب رضای او باشد؛ بنابراین هیچ چیز دیگر یا هیچ کس دیگری را در ردیف خدا قرار نمی‌دهد و بدان توجه نمی‌کند؛ البته خدای متعال وظایفی را برای انسان نسبت به خود یا دیگران یا محیط پیرامونی‌اش معین فرموده که آدمی باید برای جلب رضای او آن وظایف را انجام دهد؛ به بیان دیگر انسان در مقابل خودش، دیگر انسان‌ها و سایر موجودات، مسئولیت الهی و وظیفه‌ی عبودیت دارد؛ بنابراین انسان مؤمن در پرتو بندگی و به هدف جلب رضایت خداوند اموری را در مورد خودش یا انسان‌های دیگر یا سایر موجودات مراعات می‌کند.

بدین ترتیب در نظام تربیت اسلامی، اهداف فردی، اجتماعی و محیطی، قسیم ایمان یا یک خط موازی با ایمان و بندگی نیست، بلکه امتداد ایمان و رسم بندگی است. همچنین اهداف فردی و اجتماعی و محیطی را نباید یک دستگاه مستقل از تقوا و عبودیت تعریف کرد، بلکه جلوه‌ی عبودیت و مصداق تقواست و قاعده‌ی موحد زیستن و ایمان ورزیدن.<sup>۱</sup>

---

دیگران ارتباط ندارد. در این صورت ساحت‌های شخصی، جمعی، طبیعی و الهی نیز در عین ارتباط با یکدیگر، قابل تفکیک‌اند (ر.ک: همان، ص ۳۲۹).

<sup>۱</sup> ر.ک: راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، فصل سوم.

پس همه‌ی ارزش‌ها در نظام تربیت اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم با خدای متعال پیوند خورده‌اند؛ برخی از آنها که به «ارزش‌های الهی و معنوی» معروف است ناظر به ارتباط بدون واسطه در تعامل بنده با خداست و برخی دیگر گرچه به شکل مستقیم ناظر به تعامل با موضوعات دیگر است؛ ولی غیرمستقیم برآمده از روح عبودیت و بندگی در برابر خدای متعال است.

به بیان دیگر وظایف انسان در مقابل خدا به دو دسته تقسیم می‌گردند: الف) وظایف دوجانبه یا عبادات بالمعنی الاخص، ب) وظایف چندجانبه یا عبادات بالمعنی الاعم. منظور از وظایف دوجانبه، اعمال خاصی است که انسان موظف است در قبال خداوند انجام دهد. در انجام این دسته از عبادات، پای هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند در کار نیست؛ اما منظور از وظایف چندجانبه، انجام اعمالی است که هرچند انسان موظف است همانند دسته‌ی نخست آنها را به عنوان یک وظیفه‌ی الهی و برای خداوند انجام دهد؛ ولی علاوه بر خداوند پای فرد یا افراد دیگر و یا شیء یا اشیای دیگری نیز در میان است. در این دسته از اعمال، انسان موظف است کار یا کارهای خاصی را به عنوان وظیفه‌ی الهی در قبال آن افراد یا اشیا انجام دهد و یا از انجام آنها سر باز زند.<sup>۱</sup>

## الف) تربیت معنوی الهی

ساحت الهی معنوی در تربیت، تمام امور مربوط به رابطه‌ی فرد با خدای متعال و عالم غیب (فرشتگان، وجود نوری اهل بیت و اولیا، معاد و ...) را در بر می‌گیرد. این امور شامل بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای شخص نسبت به ماورای طبیعت و در رأس آن خداوند متعال است. تقویت شناخت و بینش نسبت به خدای متعال، پرورش احساس عشق، امید، خوف، خضوع و رضایت نسبت به خداوند و

<sup>۱</sup> ر.ک: مبانی و شیوه‌های طبقه‌بندی گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم و روایات، ص ۲۴۵.

شکرگزاری از خدا، توکل بر او، توسل به اولیای الهی و یاد آخرت و قیامت از امور مربوط به این ساحت است؛ بنابراین رشد و ارتقای وجودی انسان در ارتباط با عالم معنا (فراماده، غیب عالم و ماورای طبیعت) تربیت معنوی نام دارد. این ساحت مشتمل بر تربیت اعتقادی ایمانی و تربیت عبادی سلوکی است.

- تربیت اعتقادی ایمانی به معنای ایجاد باور راسخ و عقیده‌ی مستحکم به غیب عالم<sup>۱</sup> که در اوج خود به ارتباط قلبی، معرفت شهودی و تعلق وجودی به آن عالم می‌انجامد.
- تربیت عبادی سلوکی نیز به معنای ایجاد تعامل رفتاری متناسب با آن باور و بندگی عملی است.



ادیان الهی و انبیای بزرگ پروردگار به معرفی خدا و غیب هستی پرداخته‌اند و این خبر بزرگ را برای بشر به ارمغان آورده‌اند. به همین جهت، تربیت معنوی وجه امتیاز، نظامات دینی و غیردینی است؛ یعنی همه‌ی ساحت‌های دیگر (حتی ساحت خُلُق‌ی شخصیتی) که پس از این اشاره خواهد شد بر فرض نبودن دین یا عدم اعتقاد به دین همچنان برقرار می‌ماند و نسبت به باور دینی، خنثی و لابشرط است؛ اما ساحت تربیت معنوی، تنها پس از باور به دین شکل می‌گیرد.

<sup>۱</sup> عقد به معنای گره است و اعتقاد گره خوردن یک موضوع با وجود انسان. از آنجا که انسان ساحت عقلی و قلبی دارد اعتقاد نیز دو گونه است: عقد العقل و عقد القلب. عقد العقل یعنی یک موضوع با ساحت عقلانی و شناختی انسان گره خورد و به شکل باور عقلانی و اعتقاد ذهنی درآید و عقد القلب به این معنا است که یک موضوع با جان انسان گره خورد و تبدیل به باور قلبی گردد. عقد العقل در کلاس درس عقیدتی و با مطالعه، مباحثه و مواجهه با دلیل عقلانی حاصل می‌شود؛ اما عقد القلب نیاز به ذکر و تکرار و عمل دارد (ر.ک: محمد عالم‌زاده نوری؛ راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم؛ فصل چهارم). در زبان عرفی واژه‌ی عقاید بیشتر به اعتقادات عقلانی و کلاس‌های عقیدتی یعنی عقد العقل و باور ذهنی انصراف پیدا کرده است؛ در حالی که معنای کامل اعتقاد، عقد القلب است که با ایمان مترادف است.

عرفان اسلامی و مکاتب معنوی - مانند مکتب تربیتی نجف - عمدتاً بر همین ساحت معنوی و الهی متمرکزند و رشد و تعالی ایمانی و عملی انسان را در این ساحت راهبری می‌کنند.

## ب) تربیت فردی

ساحت فردی در تعلیم و تربیت، رشد، ارتقا و اعتلای همه‌ی بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهایی که مستقیماً مربوط به خود شخص هستند را در بر می‌گیرد، مانند شناخت خود، علاقه به خود و توجه به خود. به بیان دیگر مدیریت آگاهانه‌ی حوزه‌ی ارتباط با خود و رشد وجودی انسان در این تعامل تربیت فردی نام دارد و مشتمل بر «تربیت فکری ذهنی عقلانی» و «تربیت خلقی شخصیتی» و «تربیت زیستی جسمی بدنی» است.

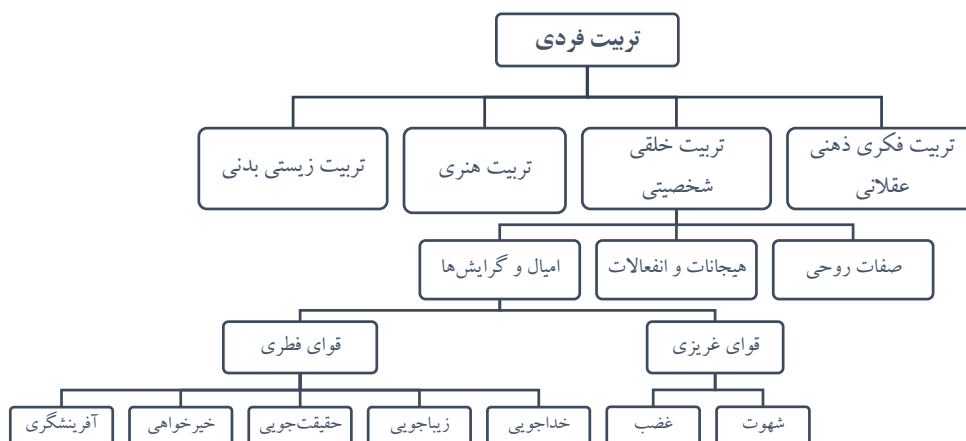
- تربیت فکری ذهنی عقلانی به معنای سلامت و ارتقای توانمندی‌های شناختی است و شامل همه‌ی قوای ادراکی از حس و خیال و وهم و عقل می‌شود. صفاتی مانند ذکاوت، نوآوری و خلاقیت، قدرت حدس منطقی، تمرکز، کنترل خیال و پرهیز از آشفتگی فکری، دقت و موشکافی، انسجام ذهنی، آینده‌نگری و دوراندیشی، سرعت انتقال، حضور ذهن، قدرت تجزیه و تحلیل، حافظه قوی، حسن سلیقه، استقلال فکری و آزاداندیشی در این ساحت قرار دارد.
- تربیت خلقی شخصیتی به معنای ارتقای فضایل اخلاقی، صفات روحی، توانمندی‌های نفس، انفعالات نفسی و قوای فطری و غریزی است. این عرصه‌ی تربیت با قلب انسان مرتبط است و قلب کانون احساس یعنی معرفت حضوری است. معرفت حضوری مایه‌ی انفعال نفس و ایجاد انگیزه و حرکت است؛ بنابراین همه امیال، گرایش‌ها، عواطف، هیجانات و انفعالات، ناشی از شناخت حضوری یعنی حضور جان در متن واقع و ادراک بی‌واسطه‌ی حقایق است. محبت،

نفرت، شوق، رضایت، کراهت، حسرت، حیرت، اضطراب، کسالت، شرم، غم، امید، یأس، شادی، ترس، خشم، تعجب، ندامت، خضوع، فخر و مانند آن همه ناشی از درک حضوری است و طبعاً منشأ انگیزه و عمل می‌گردد.

این حالات و هیجانات در مواردی کاملاً انفعالی و غیراختیاری‌اند و در مواردی فعال و ارادی‌اند؛ یعنی ایجاد، تقویت، از بین بردن یا کنترل آنها، مستقیم یا غیرمستقیم تحت اختیار انسان است. مصادیق ارادی این هیجانات در محدوده و شرایطی، مثبت و قابل توصیه و در محدوده و شرایط دیگر، منفی و قابل مذمت است<sup>۱</sup> که تعیین حدود خوب و بد آن بر عهده‌ی علم اخلاق است. بی‌شک در مواردی که این هیجانات کاملاً غیرارادی هستند، ستایش و نکوهش یا حکم خوب و بد درباره‌ی آنان راه ندارد و در مواردی که ارادی هستند باید مدیریت و تربیت شوند که به ایجاد ملکات پایدار در نفس می‌انجامد. به این ترتیب تربیت غریزی یعنی تعدیل قوای حیوانی (شهوت و غضب) در این بخش قرار می‌گیرد. همچنین تقویت قوای فطری و گرایش‌های عمیق انسانی یعنی گرایش به دانستن و حقیقت‌جویی (که منشأ پیدایش علوم است)، گرایش به پرستش و کرنش در مقابل قدرت متعالی (که منشأ پیدایش ادیان است)، خیرخواهی و گرایش به خوبی‌ها (که منشأ پیدایش اخلاق است)، زیبایی‌دوستی (که منشأ پیدایش هنر است) و گرایش به آفرینش (که منشأ پیدایش تمدن، صنعت و فن‌آوری است) همه در همین بخش مندرج است؛ ما از این میان بُعد هنری را به جهت اهمیت ویژه‌اش به شکل مستقل بیان می‌کنیم.

<sup>۱</sup> ر.ک: علیجان کریمی؛ تربیت هیجانی.

- تربیت هنری که به معنای عام خود ذیل تربیت خُلُقِی شخصیتی قرار می‌گیرد عبارت است از ارتقای توانمندی‌های شناختی، گرایشی و رفتاری نسبت به هنر و پدیده‌های زیبا. زیبایی‌شناسی، زیبایی‌دوستی و توان خلق زیبایی مطلوبیت‌هایی هستند که نیاز به تربیت دارند و به مرور در جان انسان پدید می‌آیند یا تقویت می‌گردند. اینکه انسان دارای ذوق سلیم، طبع مستقیم، لطافت روح و سلیقه‌ی خوش باشد و از خشکی طبع و زمختی قریحه فراتر آمده باشد، زیبایی را درک کند، از آن لذت ببرد و در مقابل یک اثر هنری زیبا مست شود و ظرفیت آفرینش برخی زیبایی‌ها و ظرافت‌ها را داشته باشد، کمالی است خواستی و یافتنی که نباید آن را صرفاً یک مهارت ابزاری برای ارایه اثرگذار مطالب به دیگران تلقی کرد. انسان همان زمان که در خلوت تنهایی است و با خود سر می‌کند نیاز به این کمال دارد و از لطافت طبع و خوش‌سلیقگی و ذوق و قریحه خود بهره‌مند می‌گردد.
- تربیت زیستی جسمی به معنای ارتقای توانایی‌های جسمی و قوای فیزیکی است. سلامت، چالاکی، ورزشی، نشاط و قدرت بدنی ویژگی‌هایی است که با تربیت جسمی به دست می‌آیند.



## ج) تربیت اجتماعی

ساحت جمعی در تعلیم و تربیت، به معنای ارتقای ارتباط انسان با انسان‌های دیگر است و همه‌ی اموری را که بی‌واسطه به رابطه‌ی شخص با اشخاص دیگر مربوط می‌شوند، در بر می‌گیرد. این امور شامل شناخت افراد و گروه‌های دیگر، گرایش مثبت یا منفی نسبت به آنها و انواع رفتار با آنها می‌شود. تربیت اجتماعی مشتمل بر دو عرصه است؛ یکی «ارتباط فرد با سایر افراد» و دیگری «ارتباط فرد با کلیت جامعه به صورت یک‌پارچه». در هر یک از این دو عرصه لازم است متربی رشد کند و توانایی‌هایی کسب کند.

عنوان «تربیت اجتماعی» در مواجهه‌ی نخست معمولاً به ارتباط فرد با فرد منصرف می‌شود؛ حداکثر اینکه افراد خاص (ارحام، معلمان، همسایگان، حاکمان، دشمنان و ...) احکام بیشتر یا شدیدتری دارند.<sup>۱</sup> از میان این افراد خاص ارتباط با اعضای خانواده (پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر، فرزند و ارحام) نیاز به تأکید و تبیین بیشتر دارد و مشمول احکام خاص است و به همین جهت عنوان مستقل «تربیت خانوادگی» به آن اختصاص یافته است.

همچنین تربیت اجتماعی شامل «تربیت اقتصادی» می‌شود؛ روابط اقتصادی، روابط مبتنی بر مالکیت است که شامل کسب درآمد، افزایش ثروت، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، عقد قراردادهای مالی و نیز مصرف، انفاق، پرداخت مالیات و مشارکت در هزینه‌ها و مخارج است. این ساحت هم به استقلال ذکر شده است.

معارف انقلاب اسلامی و مکتب امام خمینی<sup>۱</sup> این تصویر ابتدایی از تربیت اجتماعی را در چند مرحله توسعه بخشیده است.

اولین توسعه، توسعه از فرد به جامعه است؛ یعنی ما همان گونه که نسبت به آحاد و افراد انسان‌ها مسئولیت داریم باید خود را نسبت به «جامعه با صورت ترکیبی و هیئت اجتماعی‌اش» مسئول بدانیم. دسته‌ای از وظایف ما به این قلمرو بازگشت دارد و فارغ از آحاد انسان‌ها به روابط و مناسبات میان آنها می‌پردازد؛ مثلاً قانون‌مداری، ظلم‌ستیزی، دخالت در تعیین سرنوشت اجتماعی و تلاش برای سلامت

---

<sup>۱</sup> شناخت حقوق متقابل در روابط اجتماعی، پرورش گرایش به برقراری روابط سالم و رعایت حقوق اجتماعی از جمله امور مربوط به ساحت اجتماعی تربیت است. پیوستگی زیاد ساحت‌های فرهنگی و اجتماعی و تلقی‌های متفاوت و نزدیک به هم از این دو ساحت، تعیین حدود مرزی میان آنها را در برخی مصادیق با دشواری روبه رو می‌کند. به این جهت ترجیح دادیم این دو ساحت را در یکدیگر تلفیق کنیم و تحت عنوان ساحت فرهنگی اجتماعی به همه مصادیق مزبور اشاره کنیم (ر.ک: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۳۴).



محیط اجتماع، وظایفی است که مستقیماً به کلیت جامعه مربوط است و البته با واسطه به آحاد انسان‌ها نیز مرتبط می‌گردد؛ بنابراین برخلاف تصور اولیه، وظیفه‌ی اجتماعی انسان در «خدمت فردی به دیگران»، «کمک به مستمندان» و نهایتاً «امر به معروف، نهی از منکر و ارشاد جاهل» منحصر نمی‌شود؛ بلکه انسان مؤمن نسبت به کلان جامعه و جامعه‌سازی نیز وظیفه دارد. «تربیت سیاسی انقلابی» اشاره به این عرصه است.

توسعه‌ی دوم در محور تربیت اجتماعی، توسعه از جامعه‌ی خود با مرزهای اعتباری جغرافیایی به کل جهان است؛ یعنی علاوه بر وظیفه نسبت به آحاد انسان‌ها و نسبت به هم‌میهنان و اطرافیان، نسبت به امت اسلامی در سراسر جهان؛ بلکه نسبت به همه‌ی انسان‌ها بر روی کره‌ی خاکی وظیفه‌ای داریم. پیامبر اکرم<sup>۹</sup> فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس صبح کند در حالی که دغدغه و نگرانی نسبت به امور مسلمانان ندارد مسلمان نیست». در این حدیث «امور مسلمانان» را می‌توان به زندگی دشوار مستمندان یک محله یا وضعیت ناگوار یک روستای دورافتاده کاهش داد؛ چنانکه می‌توان این کلمه را به مسائل امت اسلامی در لبنان و فلسطین، سوریه و عراق، یمن و حجاز، اروپا و آمریکا و... توسعه بخشید.

توسعه‌ی سوم در تفکر اسلامی و معارف مکتب امام خمینی، توسعه در امتداد زمان است؛ یعنی مسئولیت‌های انسان به افراد انسان و اجتماعات بشری در زمان حاضر منحصر نیست. هر مسلمانی نسبت به نسل‌های آینده و فردای بشریت مسئول است و باید در مسیر اصلاح جریان تاریخ به سوی آینده‌ای روشن بکوشد.

<sup>۱</sup>. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

خلاصه اینکه انسان اختیار تأثیرگذاری بر روابط حاکم بر «جامعه» و نیز توان نقش آفرینی در «جهان» و در «تاریخ» را دارد. به همین جهت سخن از وظایف انسان نسبت به ساخت جامعه و مناسبات نهادهای مدنی و نیز نسبت به تاریخ بشری و تمدن آینده رواست و قطعاً در قلمرو مباحث اخلاقی و تربیتی می‌گنجد. از این رو توجه تفصیلی به این حوزه‌ها و جدا کردن آنها تحت عنوان مستقل مانند «تربیت سیاسی»<sup>۱</sup> و «تربیت تمدنی» مناسب است.

توسعه‌ی چهارم، توسعه‌ی مسئولیت‌ها از فرد به جامعه است؛ یعنی نه تنها آحاد انسان‌ها بر اساس توان محدود خود مکلف به تکالیفی هستند؛ امت‌ها نیز با توان جمعی بی‌کران خود مسئولیت‌هایی دارند. وظیفه‌ی انسان‌ها تنها بر توان فردی آنان مبتنی نیست؛ عزم و اراده‌ی جمعی نیز موضوع برخی تکالیف است. به بیان دیگر انسان‌ها در پیوند با هم می‌توانند (و چون می‌توانند موظف‌اند) کارهای بزرگی را انجام دهند؛ درحالی‌که اگر این پیوندها در نظر گرفته نشود به مصداق قاعده‌ی «لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» افراد، تکلیفی ندارند؛ زیرا مسئولیت‌های بسیار بزرگ غالباً از توان فردی انسان‌ها خارج است و طبعاً نمی‌توان کسی را بدان مکلف ساخت؛ اما بر اساس نگرش اجتماعی اسلام و مکتب امام خمینی در این شرایط باید به یک توان بزرگ و البته پنهان توجه کرد و ظرفیت جمعی، تاریخی و امتی را فعال ساخت. در این صورت مسئولیت بر دوش همگان است و هیچ کس عذری برای شانه تهی کردن ندارد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> روابط سیاسی به آن دسته از روابط اطلاق می‌شود که محور آن قدرت و حاکمیت است. رابطه‌ی میان مردم و دولت‌مردان و نیز روابط دیپلماتیک میان دولت‌مردان کشورهای مختلف در زمره‌ی روابط سیاسی قرار می‌گیرد.

<sup>۲</sup> کارهای بسیار بزرگ و تکالیف فوق‌سنگین از توان آحاد انسان‌ها خارج است؛ برای این منظور لازم است اراده‌ی جمعی امت اسلامی و عزم تاریخی واحد شکل بگیرد؛ مثلاً وظیفه‌ی محو نظام سلطه و اهتزاز پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان وظیفه‌ای تاریخی و اجتماعی است که از توان افراد خارج است؛ در عین حال اراده‌ی الهی به آن تعلق گرفته و خلقت و بعثت یعنی نظام تکوین و تشریح به سوی آن جهت یافته است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز

در این طرح همه این موارد در ساحت «تربیت انقلابی سیاسی تمدنی» خلاصه شده است. این ساحت فصل ممیز تربیت انقلابی از غیرانقلابی است و حد فاصل میان مکتب امام و اسلام ناب از دیگران. اگر تربیت در همه ساحت‌های دیگر رخ داده باشد و به این ساحت پرداخته نشود به نوعی سکولاریزم مبتلا شده‌ایم.<sup>۱</sup>

انسان مؤمن که اخلاقاً موظف است اراده‌ی خود را تابع اراده‌ی پروردگار قرار دهد و در اراده‌ی او فانی کند، باید غایت اصلاح کل زمین را مد نظر قرار دهد و به سوی آن حرکت نماید. برای انجام این مأموریت کلان تاریخی و رسالت الهی تشکیل امت یک‌پارچه‌ی اسلامی و اعتلای جبهه‌ی اهل ایمان در مقابل طواغیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ضروری است. و البته مقدمه‌ی انجام چنین وظیفه‌ی بزرگی «تربیت جمعی و تشکیلاتی» است.

تربیت اجتماعی شامل «تربیت صنفی حرفه‌ای» نیز می‌شود. این ساحت ناظر به وظایفی است که انسان در ایفای یک نقش اجتماعی و حضور در یک عرصه‌ی خدمتی دارد؛ یعنی لازم است هر کس در قبال خدمات فراوانی که از دیگران دریافت می‌کند خدمتی هم ارائه کند. انسان‌ها در نظام تقسیم کار و توزیع نقش‌های اجتماعی یک عرصه‌ی خاص را به عنوان مأموریت صنفی برمی‌گزینند. به شکل

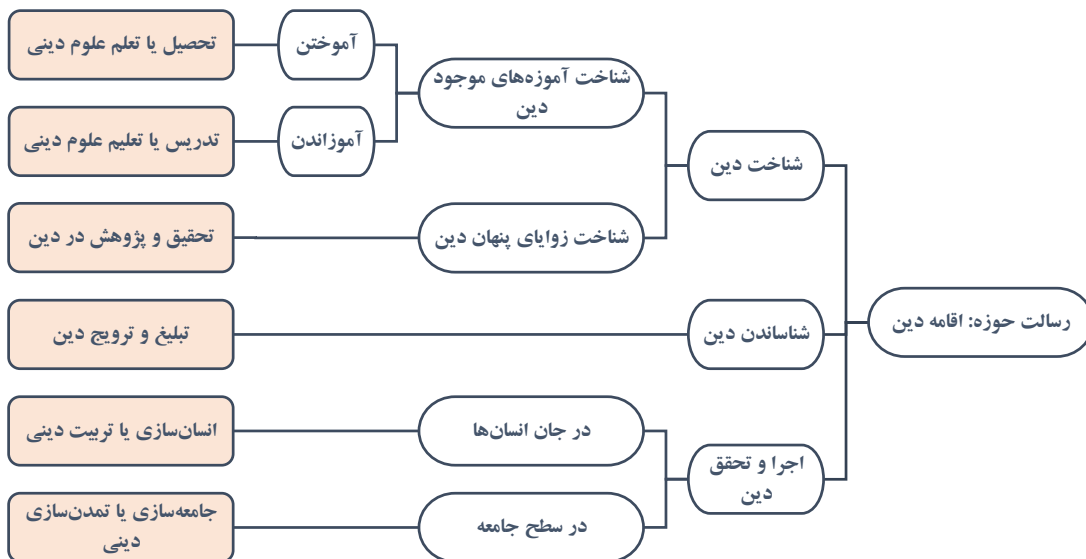
گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند» (سوره توبه، آیه ۳۳ و سوره صف، آیه ۹). «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ عِبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از پرستش طاغوت اجتناب کنید» (سوره نحل، آیه ۳۶).

<sup>۱</sup> توجه داریم که تربیت سیاسی را از تربیت تمدنی می‌توان جدا کرد؛ اما از آنجا که تفاوت میان این دو فقط در ابعاد و گستره است نه در ماهیت و جوهر، وجه اشتراک میان این دو مفهوم در نظر گرفته شده و در این مرحله یکجا بدان پرداخته می‌شود.

<sup>۲</sup> اراده‌ی خدای متعال حاکمیت دین و بندگان صالح و متقی در سراسر زمین است: «وَوَلَّيْنَاكَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْكُمْ يُرْجَعُونَ» (سوره انعام، آیه ۱۰۵). «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵).

تخصصی در آن آموزش می‌بینند و سپس در آن عرصه خدمت می‌کنند. این ساحت بر خلاف همه‌ی ساحت‌های گذشته مشترک نیست و مایه‌ی تمایز میان اصناف مختلف می‌شود؛ یعنی در این ساحت، اصناف اجتماعی مختلف با همدیگر متفاوت‌اند؛ مثلاً پزشکان برای پزشکی آموزش می‌بینند و در همین زمینه خدمت می‌کنند. مهندسان برای کار مهندسی آموزش‌های تخصصی می‌بینند و در همین زمینه خدمت می‌کنند و طلاب علوم اسلامی خدمات مرتبط با شناخت، تبلیغ و اقامه دین را برگزیده‌اند و در همین زمینه تحصیل تخصصی دارند. به این ترتیب فرایند تحصیل تخصصی و تربیت علمی طلبه ذیل این ساحت قرار خواهد گرفت.

از آنجا که رسالت حوزه‌های علمیه «اقامه دین» است و برای اقامه دین، شناخت دین، شناساندن دین و اجرای دین لازم است، تربیت صنفی طلاب در شاخه‌های زیر خواهد بود:



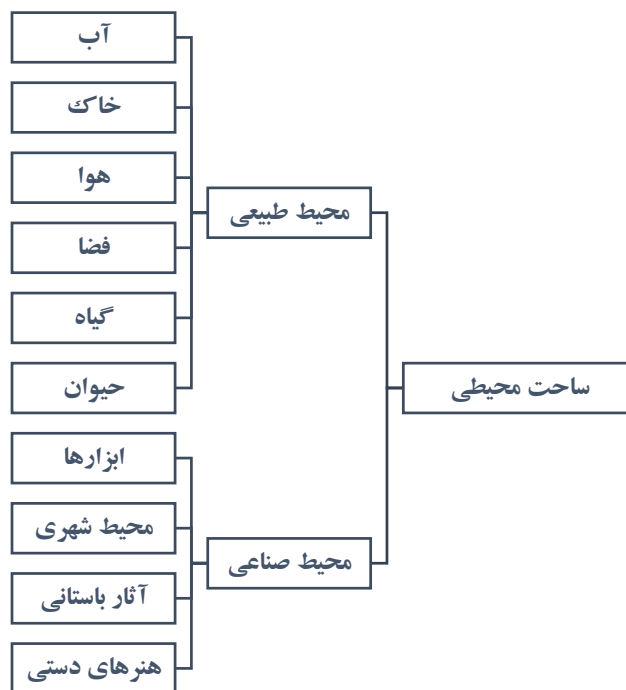
به این ترتیب و به شکل خلاصه «تربیت اجتماعی» در نمودار زیر منعکس می‌گردد:



تربیت اجتماعی فرهنگی	<input type="radio"/>
تربیت خانوادگی	<input type="radio"/>
تربیت اقتصادی معیشتی	<input type="radio"/>
تربیت جمعی تشکیلاتی	<input type="radio"/>
تربیت صنفی حرفه‌ای	<input type="radio"/>
تربیت سیاسی انقلابی تمدنی	<input type="radio"/>

## د) تربیت محیطی

ساحت محیطی، حوزه‌ای از تربیت است که به پرورش بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان در ارتباط با محیط زیست طبیعی و مصنوعی پیرامون او می‌پردازد. مقصود از طبیعت، همه‌ی موجودات عالم طبیعت به جز انسان‌هاست و شامل عناصر و جمادات (آب، خاک، هوا، فضا و اجسام)، گیاهان و حیوانات می‌شود. مقصود از محیط مصنوعی هم همه‌ی دستاوردهای تلاش انسان مانند شهرسازی، تمدن، فن‌آوری و ابزارهاست؛ بنابراین شناخت وظایف انسان نسبت به محیط پیرامونی، پرورش حس مسئولیت نسبت به منابع طبیعی، محیط شهری، آثار باستانی، هنرهای دستی، ابزارهای تکنولوژیک و سایر مصنوعات بشری و استفاده‌ی درست از آنها، به تربیت در ساحت محیطی مربوط است. از آنجا که این ساحت را هم مشتمل بر محیط زیست طبیعی و هم شامل عناصر مصنوعی و دست‌ساز بشر دانسته‌ایم نمی‌توانیم از آن به ساحت زیست‌محیطی تعبیر کنیم. به همین جهت عنوان عام ساحت محیطی را انتخاب کردیم.



از جمع همه مطالب پیشین، ۱۴ ساحت تربیتی به شرح زیر حاصل خواهد شد:

توضیح	ساحت‌های تربیت			اقسام ارتباط
ارتقای باور راسخ و عقیده‌ی مستحکم به خدا و اولیای خدا و عالم معنا که در اوج خود به ارتباط قلبی، معرفت شهودی و تعلق وجودی به آن عالم می‌انجامد.	تربیت اعتقادی ایمانی	تربیت معنوی	الهی	ارتباط با مبدأ هستی و عالم معنا
ارتقای ارتباط عملی با خدا و اولیای خدا و عالم معنا با هدف بندگی عملی.	تربیت عبادی سلوکی			ارتباط با
ارتقای توانمندی‌های شناختی، ارتقای فضایل عقلانی	تربیت فکری،	تربیت		ارتباط با

و سلامت قوای ادراکی و ذهنی	ذهنی، عقلانی	فردی	خود
ارتقای قوای شخصیتی و نفسی و فضایل اخلاقی، صفات روحی، غریزی و فطری	تربیت خلقی، شخصیتی		
ارتقای شناخت، گرایش و مهارت‌های مرتبط با امور هنری و پدیده‌های زیبا	تربیت هنری		
ارتقای توانایی جسمی و قوای فیزیکی	تربیت زیستی، بدنی		
ارتقای ارتباط با سایر افراد و آحاد انسان‌ها و الزامات محیطی آن	تربیت اجتماعی، فرهنگی		
ارتقای ارتباط با خانواده و اعضای آن	تربیت خانوادگی		
ارتقای ارتباط با ثروت، تولید و مصرف	تربیت اقتصادی، معیشتی		
ارتقای ارتباط با جماعات انسانی و گروه‌های تشکیلاتی	تربیت جمعیتی، تشکیلاتی	تربیت اجتماعی	ارتباط با انسان‌ها
ارتقای ارتباط با نقش و هویت صنفی و مأموریت اجتماعی و عرصه خدمت اختصاصی	تربیت صنفی، حرفه‌ای		
ارتقای ارتباط با «جامعه» بزرگ انسانی، «جهان» و فردای «تاریخ» و ارتباط با «ولی اجتماعی»	تربیت سیاسی، انقلابی، تمدنی		
ارتقای ارتباط با محیط زیست طبیعی و مصنوعات بشری	تربیت محیطی	تربیت محیطی	ارتباط با مخلوقات دیگر



## محورهای ذیل هر ساحت

مهم‌ترین محورهای ذیل هر ساحت به شرح زیر است:

رفتار و مهارت	گرایش	شناخت	موضوعات و محورها	ساحات
			۱. خدا، صفات و افعال خدا و ارتباط خدا با مخلوقات (اخلاق بندگی در این بخش جای دارد) ۲. پیامبران و اهل بیت ۳. فرشتگان ۴. معاد ۱. هدف زندگی (خودشناسی در نظام آفرینش) ۲. معارف قرآن و حدیث ۳. نظام عقیدتی و معرفتی	تربیت معنوی الهی <sup>۱</sup> تربیت ایمانی اعتقادی

<sup>۱</sup> شاید به نظر برسد که تقسیم این ساحت به ایمانی اعتقادی و عبادی با تقسیم به شناخت و گرایش و رفتار تداخل دارد. اما باید توجه کرد که عرصه شناخت در تربیت ایمانی عبارت است از شناختن معنا و ضرورت ایمان و عوامل ایجاد، حفظ و تقویت آن. گرایش در تربیت ایمانی شامل علاقه به ایمان (زینّه فی قلوبکم) و دلدادگی به خدا و اهل بیت است و رفتارهای مرتبط با تربیت ایمانی هم شامل همه‌ی تلاش‌هایی است که به ایجاد، حفظ و تقویت ایمان می‌انجامد. به همین ترتیب شناخت در تربیت اعتقادی، شامل شناخت اعتقادات مورد نیاز است. گرایش در تربیت اعتقادی علاقه به پی‌گیری و کسب اعتقاد سالم و رفتارهای آن هم از مقوله تلاش‌هایی است که موجب ایجاد و تقویت اعتقاد می‌شود. نیز شناخت در تربیت عبادی به معنای شناختن انواع عبادات و برنامه‌های سلوکی است. گرایش در آن به معنای انس و علاقه به عبادت و رفتار آن نیز به اصل اجرای عبادات و مناسک است.



			<p>برنامه سلوک عبادی</p> <p>۱. واجبات، فقه و احکام شرعی</p> <p>۲. مراقبات، اذکار، ادعیه، مناسک و مستحبات</p> <p>۳. زیارت، مرثیه، توسل به اهل بیت علیهم السلام</p>	<p>تربیت عبادی سلوکی</p>	
			<p>۱. فضایل اخلاقی و صفات نفسانی (اخلاق فردی)</p> <p>۲. مسایل عاطفی احساسی هیجانی و تعدیل قوا (مدیریت نفس)</p> <p>۳. سلامت روانی و مباحث مشاوره‌ای</p> <p>۴. صفات و گرایش‌های فطری (کمال‌خواهی، خیر و فضیلت‌جویی، علم و حقیقت‌جویی، آفرینشگری و نوآوری)</p> <p>۵. برنامه‌ریزی و مدیریت زمان، تعهد، وظیفه‌شناسی و رسالت‌مندی</p>	<p>تربیت خلقی، شخصیتی</p>	
			<p>زیبایی‌شناسی، زیبایی‌دوستی، زیبایی‌آفرینی</p>	<p>تربیت هنری</p>	<p>تربیت فردی</p>
			<p>۱. تفکر، تدبر، تعقل</p> <p>۲. کنترل قوای ادراکی، نفی خواطر، تمرکز، دقت، حافظه</p> <p>۳. تصمیم‌گیری، حل تعارض، حل مساله،</p> <p>۴. تجزیه و تحلیل، نقد</p> <p>۵. خلاقیت</p> <p>۶. زکاوت، سرعت انتقال، آینده‌نگری</p>	<p>تربیت فکری، ذهنی، عقلانی</p>	
			<p>۱. تغذیه</p> <p>۲. ورزش</p> <p>۳. خواب و استراحت</p> <p>۴. تفریح و نشاط، اوقات فراغت</p>	<p>تربیت زیستی، بدنی</p>	

			۵. بهداشت ۶. سلامت و درمان		
			۱. اخلاق اجتماعی؛ عدالت، احسان، دوستی، دشمنی، ایثار، نصیح، خدمت، تواضع و مردمی بودن و ... ۲. آداب معاشرت اجتماعی ۳. زی طلبگی و حجره نشینی ۴. مهارت تعامل، اثرگذاری و ارتباط با انواع مخاطبان ۵. جریان سازی و گفتمان سازی، امر به معروف و حضور اجتماعی ۶. سواد رسانه و فضای مجازی ۷. قانون و حقوق اجتماعی	تربیت اجتماعی فرهنگی	
			۱. تشکیل خانواده و انتخاب همسر ۲. دوران عقد ۳. همسر داری و حراست از خانواده ۴. فرزندآوری و تربیت فرزند ۵. ارحام (پدر، مادر، خواهر، برادر، اقوام)	تربیت خانوادگی	تربیت اجتماعی
			۱. فعالیت جمعی، تیمی، تشکیلاتی و جبهه ای ۲. فعالیت مردمی و جهادی	تربیت جمعی، تشکیلاتی	
			۱. ارتباط با جامعه جهانی و آینده تاریخ انسانی ۲. رابطه با ولی جامعه (امام معصوم یا نایب او) ۳. مقابله با طواغیت و نظام سلطه ۴. انقلاب اسلامی و مکتب امام	تربیت سیاسی، انقلابی تمدنی	

			۵. جبهه تاریخی حق و باطل، آینده‌پژوهی و مهدویت ۶. تمدن و پدیده‌های اجتماعی تمدنی		
			۱. رابطه با دنیا ۲. درآمد و ثروت (کارآفرینی، اشتغال، تدبیر معیشت و سرپرستی خانواده) ۳. مصرف (نظام هزینه‌ها، انفاق، ...)	تربیت اقتصادی، معیشتی	
			۱. حوزه و هویت طلبگی ۲. تحصیل علوم حوزوی (صرف و فقه و فلسفه و ... ) و رابطه آن با کارکرد حوزوی ۳. تحصیل مهارت‌ها و هندسه مهارتی ۴. استعدادیابی ۵. کارویژه‌ها و ماموریت‌های روحانیت (تعلیم و تدریس، تبلیغ ترویج، پژوهش، تربیت، راهبری و مدیریت)	تربیت صنفی حرفه‌ای	
			۱. محیط زیست طبیعی ۲. محیط زیست صناعی	تربیت محیطی	تربیت محیطی

## رویکردهای حاکم بر همه‌ی ساحت‌های تربیت

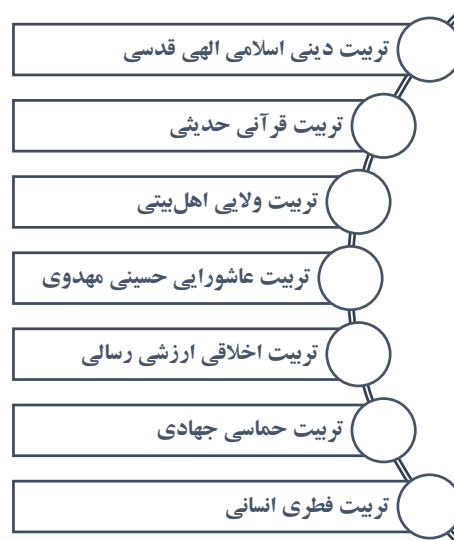
برخی از عناوین را در ساحت‌های تربیت ندیده و جزو این تقسیم‌بندی به شمار نیاورده‌ایم؛ این موضوع بدان جهت است که این عناوین نه تقسیمات تربیت که رویکردهای حاکم بر تربیت است. مثلاً «ساحت دینی» در تقسیم‌بندی بالا در عرض ساحت‌های دیگر قرار نگرفته است؛ زیرا دین به تمام

ساحت‌های تربیت، اعم از تربیت معنوی، فردی و اجتماعی نظر دارد و به ساحت خاصی محدود نیست؛ یعنی اسلام حاوی آموزه‌ها و دستورالعمل‌های فراوانی در همه‌ی ساحت‌های تربیتی است و عملیات تربیت در همه‌ی آنها باید اسلامی و دینی باشد؛ بنابراین دین نه یک ساحت در کنار ساحت‌های دیگر که یک رویکرد حاکم بر همه‌ی ساحت‌هاست و «اسلامی بودن» قیدی برای دستگاه جامع تربیتی است.

به همین منطقی «ساحت اخلاقی» هم به استقلال بیان نشده است؛ زیرا اگر اخلاق را به معنای نظام ارزش‌ها بدانیم همه‌ی ساحت‌های تربیت باید ناظر به ارزش‌های انسانی شکل گرفته باشد و زیر چتر شامل اخلاق و ارزش‌ها باشد؛ یعنی اخلاق باید در تمام آنها به شکل مقسمی و منتشر حضور داشته باشد و بر همه‌ی دستگاه تربیتی حاکم باشد؛ هم ویژگی‌های فردی ما باید اخلاقی باشد، هم روابط اجتماعی ما، و هم فعالیت‌های جمعی و تشکیلاتی و اقتصادی و خانوادگی و صنفی ما؛ یعنی در کنار اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق بندگی، اخلاق تشکیلاتی، اخلاق صنفی، اخلاق سیاسی و ... نیز طرح می‌شود. بله اگر مراد از اخلاق، صفات و ویژگی‌های شخصیتی و روانی باشد در ساحت تربیت خلقی شخصیتی لحاظ شده است. به این ترتیب اخلاق بندگی ذیل ساحت ارتباط با خدا قرار می‌گیرد. اخلاق فردی ذیل ارتباط با خود و اخلاق اجتماعی ذیل ارتباط با دیگران.

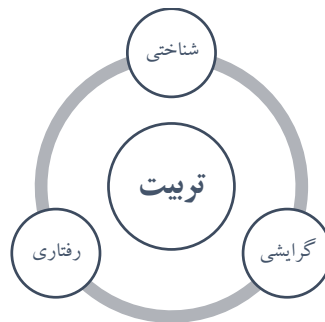
در جدول بالا سخنی از «سبک زندگی» نیز نیامده است؛ زیرا سبک زندگی هم یک رویکرد و یک عنوان حاکم است که در همه‌ی ساحت‌های تربیت جاری است. سبک زندگی فردی، سبک زندگی معنوی عبادی، سبک زندگی اجتماعی، سبک زندگی اقتصادی، سبک زندگی حرفه‌ای صنفی و مانند آن. نیز در جدول بالا عنوان تربیت فطری نیامده است؛ زیرا اگر مراد از تربیت فطری، ارتقای قوای فطری و گرایش‌های انسانی است که مربوط به ارتباط انسان با خود می‌شود و ذیل تربیت خلقی شخصیتی قرار

می‌گیرد و اگر منظور از آن تربیتی است که بر مبنای فطرت انسان رقم خورده است و با سرشت اولیه او سازگار و هماهنگ است که در همه‌ی ساحت‌ها باید مراعات شود و در عرض آنها قرار نمی‌گیرد. به همین شکل می‌توان هر یک از اوصاف زیر را رویکرد حاکم بر تربیت دانست که در همه‌ی ساحت‌ها باید جاری باشد و لحاظ شود: تربیت قرآنی، ولایی، حسینی، عاشورایی، مهدوی، حماسی. حتی وصف انقلابی و تمدنی هم می‌تواند یک رویکرد و وصف حاکم داشته باشد که همه‌ی شئون تربیت با لحاظ آن محقق شود. این رویکردها در عرض سایر ساحت‌ها قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به شکل طولی در همه‌ی آنها اشراق می‌شود.



تربیت علمی را هم در ساحت‌های تربیت ذکر نکردیم؛ زیرا اگر مراد از «تربیت علمی» افزایش توانمندی‌های ذهنی فکری و عقلانی باشد که ذیل «ساحت ذهنی فکری عقلانی» آمده است. اگر مراد از آن، افزایش اطلاعات و کسب دانش و معرفت باشد که در همه‌ی ساحت‌های تربیت، دانش و معارف فراوان مورد نیاز است و در عرض آنها جای نمی‌گیرد، بلکه در ستون شناخت‌ها و در مقابل همه‌ی

ردیف‌ها قرار دارد و اگر مراد از آن کسب علوم تخصصی حوزوی و مهارت‌های تحصیلی و پژوهشی مورد نیاز عالمان دین باشد در «ساحت صنفی و حرفه‌ای» بدان پرداخته می‌شود؛ زیرا هر کس در هر صنف و حرفه‌ای که خدمت می‌کند باید دانش و مهارت مورد نیاز همان صنف را کسب کند؛ پس عالمان دین باید علاوه بر دانش‌های مورد نیاز شخصی در ساحت‌های مختلف برای ارائه خدمات حوزوی، دانش دین را به شکل تخصصی کسب کنند و مهارت‌های دانش‌آموزی، آموزگاری و پژوهش را مسلط باشند.



همچنین تربیت رفتاری و گرایشی را به استقلال در ساحت‌های تربیت ذکر نکردیم؛ زیرا تربیت رفتاری به معنای افزایش قدرت عمل و تقویت اراده، ذیل تربیت خلقی شخصیتی قرار دارد، کما اینکه تربیت گرایشی به معنای تسلط بر خواسته‌های نفس و مهار گرایش‌های درونی نیز از ویژگی‌های خلقی و شخصیتی است. در ضمن این دو نیز مانند تربیت علمی بعدی از ابعاد تربیت به شمار می‌روند و در همه‌ی ساحت‌ها جاری هستند؛ بنابراین در عرض آنها جای نمی‌گیرند:

رفتار	گرایش	شناخت	ساحت‌های تربیت	
-------	-------	-------	----------------	--



			تربیت اعتقادی ایمانی	
			تربیت عبادی سلوکی	
			تربیت فکری، ذهنی، عقلانی	
			تربیت خلقی، شخصیتی	
			تربیت هنری	
			تربیت زیستی، بدنی	
			تربیت اجتماعی، فرهنگی	
			تربیت خانوادگی	
			تربیت اقتصادی، معیشتی	
			تربیت جمعی، تشکیلاتی	
			تربیت صنفی، حرفه‌ای	
			تربیت سیاسی، انقلابی، تمدنی	
			تربیت محیطی	

## برخی تطبیقات

به جهت آشنایی با منطق این تقسیم‌بندی، جایگاه برخی از کمالات و فضایل را که در فرایند تربیت

باید در جان طلبه پدید آید مشخص می‌سازیم:

- فضیلت دانایی در همه ساحت‌ها مندرج است و مصداق دارد. دانایی در ارتباط با خدا، در تعامل با مردم و در مدیریت نفس خویش؛ البته معمولاً دانایی را در حیطه‌ی مأموریت تخصصی و رسالت صنفی به کار می‌برند؛ بنابراین طلبه عالم کسی است که علوم تخصصی حوزوی را مسلط باشد، تصویر جامعی از منظومه‌ی معارف دینی داشته باشد و بتواند به رسالت صنفی خود عالمانه و متخصصانه بپردازد. اگر ستون شناخت را در همه‌ی ساحت‌ها تکمیل کنیم، هندسه معرفتی طلبه (مجموع دانایی‌های مورد نیاز طلبه) ترسیم خواهد شد.
- فضیلت تقوا اگر به معنای لغوی در نظر گرفته شود و از آن قدرت تسلط بر نفس و خویش‌تنداری اراده شده باشد یک فضیلت فردی است که انسان در مواجهه با قوای خود باید به آن آراسته باشد؛ اما در فرهنگ اسلامی تقوای الهی توصیه شده است و تقوای الهی خودنگهداری به ملاحظه حضور خدا و حفظ حریم پروردگار است؛ بنابراین ذیل اخلاق بندگی و فضایل ساحت الهی و معنوی قرار می‌گیرد.
- فضیلت ساده‌زیستی را می‌توان در ساحت فردی و ذیل صفاتی مانند زهد و قناعت در نظر گرفت؛ و می‌توان در ساحت اقتصادی و ارتباط با ثروت و مالکیت و از مهارت‌های مصرف کردن قرار داد.
- فضیلت عزت نفس یک فضیلت فردی است که البته نتایج و بروزات اجتماعی دارد.
- فضیلت مردمی بودن یک فضیلت اجتماعی است. روحیه‌ی خدمتگزاری به دیگران و تواضع در مقابل مردم تنها در ارتباط با دیگران مصداق دارد.
- فضیلت مسؤلیت‌شناسی و وجدان کاری یک فضیلت فردی است.



- فضیلت دین‌مداری و غیرت دینی یک فضیلت الهی معنوی است که ناشی از توجه به خدا و حفظ حرمت او و غیرت نسبت به امر و نهی و احکام الهی است.
- زمان‌شناسی، بصیرت، پای‌بندی به نظام اسلامی، التزام به آرمان‌های امام و شهدا و اعتقاد به ولایت فقیه به ساحت تربیت سیاسی انقلابی تمدنی مربوط است.
- توان جذب جوانان و قدرت تبلیغ جذاب ذیل ساحت صنفی و از رسالت‌های طلبگی است.
- خردمندی و قدرت تدبیر را در ساحت تربیت ذهنی فکری و عقلانی در نظر گرفته‌ایم.

## ارزش و رتبه ساحت‌ها در یک نظام متوازن

پس از شناخت ساحت‌های تربیت لازم است ارزش رتبی هر یک از این ساحت‌ها را نیز بشناسیم؛ یعنی بدانیم که از این جدول پرمؤلفه، کدام خانه ضریب اهمیت و ارزش بالاتری دارد و لازم است بدان اهتمام بیشتری بورزیم؟ به عبارت دیگر اگر بخواهیم این ساحت‌ها را وزن‌کشی کنیم و جایگاه ارزشی آنها را به شکل مقایسه‌ای بسنجیم کدام یک در رتبه‌ی بالاتری قرار خواهد گرفت و امتیاز بالاتری کسب خواهد کرد؟

برخی در اینجا به اهمیت تربیت خلقی و شخصیتی تأکید ورزیده‌اند.<sup>۱</sup> برخی نیز تربیت فکری و عقلانی را دارای برترین اهمیت دانسته‌اند.<sup>۲</sup> کسانی دیگر نیز معتقدند تربیت معنوی (با همه اجزا و

<sup>۱</sup> مثلاً شهید مطهری؛ بر «کرامت نفس» به‌عنوان مرکز ثقل اخلاق اسلامی و عنصر راهبردی بنیادین در تربیت اخلاقی پای فشرده است. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (فلسفه اخلاق)، ج ۲۲، ص ۴۰۹، ص ۳۹۴ و ص ۴۰۶.

<sup>۲</sup> ر.ک: علی صفایی حائری؛ مسئولیت و سازندگی؛ فصل سوم و چهارم. ایشان البته تربیت عقلانی را صرفاً به معنای مهارت‌های ذهنی و توانمندی‌های فکری نمی‌دانند؛ بلکه محتوای اعتقادی را نیز در آن اشراب می‌کنند.

اضلاعش) نسبت به سایر ساحت‌های تربیت اهمیت بالاتری دارد؛ زیرا ارزش انسان به ایمان و معنویت است و اگر این ارزش اساسی نباشد همه‌ی کمالات دیگر پوچ و تهی‌مایه خواهد بود. این روح معنوی و صبغه‌ی الهی، مایه‌ی احیا و ابقای سایر کمالات است.<sup>۱</sup>

برای بررسی عالمانه‌ی این بحث لازم است دو سوال را از هم تفکیک کنیم:

اول اینکه کدام یک از این ساحت‌ها به واقع رتبه و ارزش بالاتری دارد؟ (ارزش اخلاقی)

دوم اینکه در مقام تربیت کدام یک از این ساحت‌ها را باید مقدم ساخت؟ (ارزش تربیتی)

سوال اول از اولویت و سوال دوم از اولیت (یعنی مراحل تکوین خارجی) است. اینکه در واقع یکی از ساحت‌ها ارزش بالاتری دارد الزاماً به این معنا نیست که در مقام تحقق هم مقدم شود. چه بسا لازم باشد در تربیت به یکی از این ابعاد یا ساحت‌ها زودتر از بقیه بپردازیم، در حالی که ارزش پایین‌تری دارد. آنچه ذیل عنوان «اهداف تربیت» مطرح می‌شود همان سؤال اول یعنی اولویت رتبی و درجه‌ی ارزش واقعی این ساحت‌هاست. اما سوال دوم ذیل «مراحل تربیت» جای دارد و در جای دیگری باید بدان پرداخت.

بی‌شک بلندمرتبه‌ترین عنصر دستگاه ارزشی اسلام «ایمان به غیب» است و سایر ارزش‌های اخلاقی همه تحت این ارزش و مشروط به وجود آن هستند؛ بنابراین از میان ساحت‌های تربیتی، تربیت الهی معنوی و ارتقای باور قلبی به خدا، اولیای خدا، فرشتگان الهی و قیامت، ثبوتاً بر همه ساحت‌های تربیتی حاکم است و شرط ارزشمندی یا نخ‌اسکناس سایر ساحت‌ها به شمار می‌رود.

<sup>۱</sup> ر.ک: محمد عالم‌زاده نوری؛ راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم؛ فصل سوم.



## منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- اسکافی، ابن همام؛ التمهیص،
- حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول،
- [منسوب به] امام صادق؛ مصباح الشریعه
- گروه نویسندگان زیر نظر مصباح یزدی، محمدتقی؛ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی،
- درآمدی بر نظام‌نامه‌ی تربیتی المصطفی
- سند تحول آموزش و پرورش
- عالم‌زاده نوری، محمد؛ راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
- صدری، محمدجعفر؛ مبانی و شیوه‌های طبقه‌بندی گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم و روایات،
- کریمی، علیجان؛ تربیت هیجانی
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی،
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۵ ش.